

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ \_ ۱۳ صفر ۱۴۴۶ \_ ۱۸ اوت ۲۰۲۴ - شماره ۲۴۸۱ - سال نهم  
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۱۴  
hamedlidaily.ir   hamdeli@ghamtel.com   newsaper.hamdeli@t.me/HamdeliNews

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان   سردبیر: جلال خوش‌چهره  
مدیر هنری: امین مریدی   چاپ: صمیم ۰۲-۶۵۵۸۶۸۰۱   توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰  
تهران- خیابان مطهری- نزسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج  
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۴۳۰

## یادداشت‌ها



محمدعلی نویدی  
استاد دانشگاه

## اخگر ارتجاعی و ارتجالی

دادن به کسی یا چیزی. و در نتیجه بری و دور دانستن وی از گناه و خطا و عیب و ایراد و نیز نقد و اصلاح امر مقدس. تقدیس سنت و گذشته یعنی همین.

این گونه تقدیس، هم شامل نگرش و کنش‌ها می‌شود و هم شامل افراد و اشخاص. ۵- مخالفت با تغییر. در رویکرد ارتجاع و سلفی‌گری، هر گونه تغییر و تحول و پیشرفت و توسعه، امری مذموم و ناپسند است.

بنابراین مخالفت با تغییر و دگرگونی در این نگرش به محاق می‌پیوندد و از میان می‌رود. این گونه نگرش و رویکرد اگر بر سیاست و سیاست‌مداران کشوری مستولی و چیره گردد، آن کشور و جامعه فرهنگ و تمدن و علم و انسانیت و اخلاق و ادب خود را به تدریج از دست می‌دهد و فقر و فلاکت و ویرانی نصب آن سرزمین می‌گردد. دقت کنیم که این قبیل مباحث، در واقع، ریشه

ها و قاعده‌های بسیاری از پرسش‌ها و چالش‌ها و مزانه‌ها هستند. بنابرین مخرب اندیشه و نگرش ارتجاعی زمانی آشکار و عیان می‌شود که ارتجاع لباس و صورت ارتحال و وضعیت ارتجالی به خود بگیرد.

حالت و وضعیت ارتجالی، آن وضعیت و موقعیتی است که مدیران و متولیان یک جامعه و کشور امور جامعه و مردم را بدون اندیشه و تأمل و دقت و سربسری و سهل‌انگاره‌ی بی‌دلیل سرهم کنند و بطور سطحی و ظاهر‌گرایانه سبزی سازند. فلذا، ارتجاع و ارتحال (ارتجاعی و ارتجالی) مکمل و ملازم هم هستند و یکدیگر را در تباهی‌گری و ویرانی‌سازی یاری می‌کنند.

این‌ها قاعده‌اصیل در تمام دوران‌ها و جوامع می‌تواند مصداق داشته‌باشد؛ وقتی ارتجاع و ارتحال با هم جمع شوند، ارتحال و مرگ فرهنگ و تمدن و تاریخ و علم و ترقی و تعالی و انسانیت آن جامعه فرا می‌رسد. مثل وضعیت تحصیل بانوان و دختران در افغانستان و سایر ممالک فلاکت زده.

چکیده این بحث فلسفی چنین است: اگر در قرن بیست و یکم که قرن تغییر و تحول شتابان و روزافزون است، جامعه‌ای بخواهد رشد و بالندگی و شکوفایی و پیشرفت داشته‌باشد به خردمندی، سخت‌کوشی و مدیریت‌زمان و سرمایه‌ و نگرش تحول‌گرا لازم دارد.

سنت و گذشته با تعبیر و تفسیر عقلا و خردمندان و متخصصان می‌تواند به کار و بار زندگی امروز یاری رسانند و حفظ جوهره‌ها با بازسازی عقلانی ممکن است. اگر آب زندگی باره، هرگز از شاخ بید بر نخوری. با فرومایه‌روزگار مبر، کز نی بوریا شکر نخوری. «سعدی»

## موزه

## کشف اتفاقی گنجینه سکه در آلمان



مجموعه‌ای بزرگی از سکه‌های قرون وسطایی در آلمان کشف شد. باستان‌شناسان بیش از ۱۵۰۰ سکه نقره قرون وسطایی را زمانی در آلمان از زیر خاک خارج کردند که یک شهروند حین انجام حفاری‌های مربوط به یک پروژه، متوجه وجود این سکه‌ها شده بود که در نگاه اول شبیه پلاک‌های فلزی کوچک به نظر می‌رسیدند.

«لایوساینس» نوشت، به گفته باستان‌شناسان این اکتشاف بزرگترین گنجینه باستان‌شناسی است که از سال ۱۹۴۹ در منطقه «فراایبورگ» به دست آمده است.

این اکتشاف که در ماه «مه» و در جریان لوله‌کشی در نزدیکی یک استخر واقع در «گلوترتال» حاصل شده است، اطلاعاتی را درباره فعالیت معادن و ضرب سکه در ۶۵۰ سال قبل این منطقه به کارشناسان ارائه می‌دهد.

در سال ۱۹۴۹ میلادی بود که باستان‌شناسان با کاوش در «فراایبورگ» حدود ۵۰۰۰ سکه متعلق به حوالي ۱۲۸۰ میلادی کشف کردند، اما تاکنون هیچ سکه قرون وسطایی در «گلوترتال» واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی «فراایبورگ» کشف نشده بود. «گلوترتال» در حقیقت در منطقه کوهستانی «جنگل سیاه» واقع شده است که بیشتر برای دره‌های چشم‌نواز و جنگل‌های کاج شناخته می‌شود.

به گفته باستان‌شناسان، «گلوترتال» یکی از مهم‌ترین محوطه‌های استخراج برای دوک‌های فراایبورگ بود. همچنین نقطه‌ای که این مجموعه سکه‌های قرون وسطایی در آن کشف شده است، یکی از اصلی‌ترین مکان‌ها برای معدن‌داری بود که فلزاتی همچون نقره از آن استخراج می‌کردند. به گفته باستان‌شناسان ارزش این ۱۵۰۰ سکه در قرن چهارم میلادی معادل ارزش ۱۵۰ گوسفند بود.

سازمان  
آگهی‌ها

# روزنامه همدلی

۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱   ۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۲

## بازمبشر و آثار محمدرضا

مروری بر مجموعه شعر «شولیزو نامه‌های شاه‌توتی» از نرگس دوست  
گوناوه (gotaare) با شولیز کلمات



عبادین پایینی (آرام)  
منتقد ادبی

شعر نرگس دوست به مانند گل نرگس، دوست‌داشتنی است و تم یا درون‌مایه و بنمایه‌ی اشعارش اقتدر عاطفی- اجتماعی و انتقادی و درجوایی‌تریسر (هیجانی) هستند که خواننده رویکرد اومانیسیتی وی را نسبت به خویش و جامعه‌ی خویش به خوبی یافت و دریافت می‌کند. در شعر خانم دوست نوعی دوستی‌با کلمات را می‌بینید که هرگز ایسن کلمات تن به دشمنی با یکدیگر نمی‌دهند و این رعایت حرمت واژگان درشعر از چنین شاعری برآمده است.

اصولاً در شعر نرگس دوست، درد خودش را با لباسی دردمند توضیح می‌دهد و کارکشیدن از کلمات در جهت نیل به یک مفهوم جامع الاطراف و البته صنعت واژه‌گزینی در شعر و مشخص دادن به کلمات همراه با استفاده از صنعتا‌ی چون جناس، آشنانادایی و واج آرایی و مستفاد شدن از بدیع مهمی به نام استعاره از مهم‌ترین عناصری است که پارامتر ساختمان شعر دوست را تشکیل و مشخص می‌کنند.

سُر‌آینده از دال کلمات به طرز استفاده می‌کند تا که بتواند درکنه این دال‌ها، مدلول‌هایی را استخراج نماید که گویی

زایمانی طبیعی با کم‌ترین درد ممکن صورت پذیرفته است. نرگس دوست زاده‌ی درد و دردمندی اقلیم زاگرس است و مرکز توجه آن روی نشانه‌هایی چون کوه، بیابان، صحرا، رود، سنگ، باران، رودخانه، باد و بوران و البته جنگل متمرکز است و به همین سبب است که می‌توان شعررا را نوعی «ناتورالیسم معنایی» تصور کرد. یعنی سُر‌آینده تمام کلمات را چه درشولیز و چه دربخش دوم کتاب: «نامه‌های شاه توتی» به تعامل و تعادل و گفت و گو با هم دعوت می‌کند تا که این کلمات قول را شکل دهند و از خاتمه به یک گفتگومندی چند جانبه دست یابند. نمونه‌هایی از این دفتر شعر:

نمونه یک: «جنون سُرُخ تو را دوست دارم / ای آفتاب بالا بلند / دردهان چاه چه می‌جویی؟ / هرغروب که کشته می‌شوی / بر قامت علف / سایه‌ی رُم کردن باد را / در دشت نرگس زار می‌بینم!»

نمونه‌ی دو: «... تنها برای دست‌های سبز تو / گاه سُرُخ سُرُخ شِب بویا شدم / گاه ماه ماه / نشستند اما بادها / به تماشای ویرانگری من / می‌بینی یا نه؟ / سُرُخ سُرُخ به زبان دیوانگی گل / بیا گلوگولوه / بخش / با دهان جنون / و اعتراف کن که دیوانگی / سبزی ساقه‌های عاشق تو / بیشتر می‌آید / و سُرُخی من به معشوقه‌ی تو بودن!»

نمونه‌ی سه: «تو آن دانه‌ی تلخ لیمویی / که خنسکای مرگ را / سرازیرمی‌کنی از گلولی سرد ماه / و من در تاریکی شاخه‌های شش پناه می‌برم به گلو مرگی تو! / آه / ای شِب سیاه مسکوت / که ناگهان حنجره‌ات روی گلسوی سرد من / دَف سُرُخ ماه می‌شود!»

شعری که خوشگویی مرگ را / سرازیرمی‌کنی از گلولی سرد ماه / و من در تاریکی شاخه‌های شش پناه می‌برم به گلو مرگی تو! / آه / ای شِب سیاه مسکوت / که ناگهان حنجره‌ات روی گلسوی سرد من / دَف سُرُخ ماه می‌شود!

بگویی بد توی تسو در توها / که جمعیت مدرن گیسوان دوست / درباد تششیع می‌شود یا دست‌های شما؟! / می‌شنوید نام چکه‌های دوست را از سینه‌ی آنرا! / آه / من شروع شده / از این نام چریکی / تنها معشوقه‌ی رنگ بریده‌ی تاریکی / چشم‌های مرا می‌شناسد / یا سیاهی مَضطرب! /

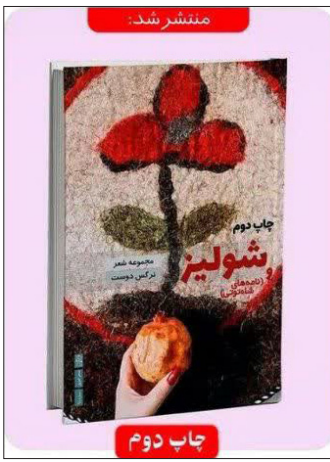
وقتی وحشت زده روی پوست مرگی‌اش می‌گوید / سیاهی شب در نرگس‌زار / گلوی ماه را بریده / در رودخانه‌هایی / که زیبایی و زخم / بی‌رحمانه از آن سرازیر می‌شود / تا به سطح سرد سنگ برسد / از دره‌های عمیق بالا می‌آید / بالا / بالا / بالاتر / و انسان برهنه‌ی اندوه را صدا می‌زند در پوست دوست / مغضوب علیه خود اما / برای هر گل مَرده‌ای دست تکان دادم / گلی را در یاد / چون چاقویی تیز و سرد اما / انگشتانم را شکافت / حتماً از روانی آب می‌ترسم که مرا غرق کند / بُن و بیخ ریشه‌ام را تا ماه بسپرد / اضطراب کوچک من / مثل درختی آشفته درمسیر می‌ترس قرار گرفته / و رفتار عجیب باد را زیر نظر دارد / که با سطرهای این شعر شاخه شاخه درگیر است / و تنها ایرها که دوستان فصلی من‌اند می‌دانند / که حرف ماه کوتاه افتاده روی آب! / با تصویر گل انار در برفا!

شعر نرگس دوست شعور طبیعت است و این ناتوارال‌نگریستن به طبیعت از برای زیستن شعری، ریشه و پیشه در درخت اجتماعی آن دارد. سُر‌آینده با بهره‌گیری از کلماتی هم خانواده (مراعات نظیر) نظیر آفرینی می‌کند و می‌خواهد زبانی بی نظیر را با استعانت از نظیرهای طبیعی در طبیعت خلق نماید که جامعه پیرامونش ارتباطی عتیق و عمیق با این نظام یافتگی طبیعت برقرار می‌کند.

اگر دقت کرده باشید صنعت واژه‌گزینی در شعر خانم دوست بیشتر برگرفته از واژگان طبیعی است و اصولاً شاعری است که زیست مندی کلمات را وابسته و همبسته به طبیعت خویش و محیط پیرامون خویش می‌داند. شولیز از دو قالب شعری بهره‌مند و مستفاد شده، یکی قالب شعر بلند است و دو دیگر اشعاری کوتاه هستند که در بافتی کوتاه سُروده شده‌اند و این دوگانگی زبان باز برمی‌گردد به نوع بسامد خیال و سلاطیخ روحی –روانی و علائق رفتاری سُر‌آینده که در زندگی اجتماعی و هنری‌اش حضور دارند و همین شناخت شناسی از طبیعت خود عملی است که تا به شعرش در چنین چیش و بینشی به دید آید.

در جهان امروز توجه به صنعت ایجاز از برای کوتاه سُرایی متداول شده که این مهم به دلیل ظهور دنیای ماشینیسم و نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است و در چنین وضعیتی شعرا و نویسندگان به این میدان جهت‌میداناری آمده‌اند.

در صنعت ایجاز شاعر به دنبال تصویری ایماژگون هم هست و اصولاً شاعر باید با کلمات کوتاه معانی بلندی را بیافریند و دیگر نکته شعر اطناب یا بلندسُرایی است که به گمان می‌رسد کوتاه سُرایی ریشه در شعر صنعتی و شهری دارد و اصولاً افرادی که جهان صنعت و تکنولوژی و آپارتمان را ترجمه می‌کنند به سمت چنین ژانری بیشتر سوق می‌یابند و در واقع بلندسُرایی ریشه در بافت‌های روستایی و طبیعی و جامعه‌ی بکر دارد و چون در طبیعت و بافت روستایی و اقشار و اقوام دورهمی و جمع‌گرایی و تعامل متداول است بنابراین التفات به فردیت و فردگرایی و ناهم‌یابی و ناپایداری مدنظر چنین جامعه‌ای نیست و شعری این اقلیم‌ها نیز در واقع تن به اقلیم‌گرایی می‌دهند. به هر روی نرگس دوست به نوبه‌ی خود پلی را بین سنت و مدرنیته می‌زند و تلاش دارد که شعر بلند و شعر کوتاه را با هم آشتی دهد و در کتابی فراهم آورده که باید به او این قطعه‌ی ادبی را تقدیم کرد: «مهربانی را از کتاب شولیز بایموزیسیم / چون کلمات زیادی در آغوش دارد.» و اصولاً به زبان پارادکسیکال شعر کرده که هر کس سازی می‌زند گویی خیلی اعتقاد ندارد، به طوری



منتشر شد: چاپ دوم

که با توجه به اشعار بلند و کوتاه و نامه‌های شاه‌توتی این نویسنده که از درونمایه و دیالوگی طبیعی با پیامی اجتماعی- انتقادی برخوردار شده‌اند، می‌توان چنین برداشت نمود که این نویسنده از سبک تریلوژی (سه گانه نویسی) هم در جهانی بهره مندشده است؛ از این‌رو که در این کتاب می‌توان رابطه‌ی زبان متن و هنر معنا را با پردازشی هنرمندانه در کارهای خانم دوست هم برداشت کرد و هم باور، داشت. شاعری دیالوژیسم و تریلوژیسم که طبیعت شناسی آن با بهره‌وری از کلمات طبیعی در شعرش نمایان است به شرح ذیل:

«چه کسی در غروب‌زار آفتاب را کُشت؟ / از گلولی گل سُرُخی او پرده بیرون می‌آید!» شخصیت دادن به کلمه‌ی آفتاب و پرسشی که از مقابل ایستاده‌ی خود دارد به خاطر کُشتن آفتابی که پرند از گلولی گل سُرُخی آن بیرون می‌آید. توجه به صورت و سیرت زن در ادوار تاریخ و احضاری که در حق زن شده با رویکردی فمینیسم وار از دیگر عناصری است که در اشعار خانم دوست دیده می‌شود: «آن تش تشنگی را / از زاغ چشم من / آب بنوشان / می‌بینی؟ / از گریستن چه کارهایی می‌آید!»

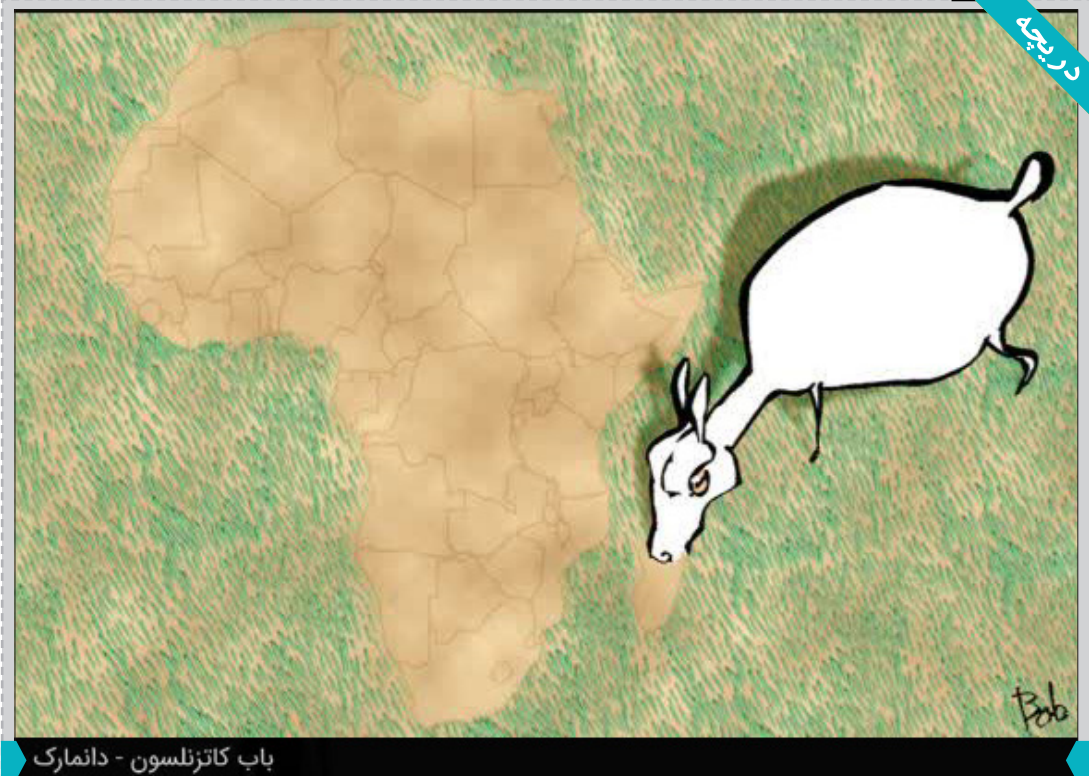
یک دیالوگ برای نیل به درمندی‌های خود و جامعه که از نگاه سُر‌آینده‌گرستن سوره مراتب بهتر از خندیدن در میدان معنا می‌تازد.

نرگس دوست گویی بین مرگ و زندگی درمندی را خوب تجربه نموده چه این خود مرگ هم در اشعارش نوعی زندگی است و این مرگ‌اندیشی در جای‌جای اشعار دوست دیده می‌شود، به طوری که می‌سراید: «ای ذرّای شسب‌لیزی / تابوت مرگ را برشانه‌ی کدام بلوط بگذارم؟ / من که در مُردن - از ماه فروانم!»

آشنانادایی همراه با پیامی اجتماعی، انتقادی که خواننده را به تأمل وامی‌دارد که این چه مرگی است که تابوت دارد اگر چه تابوت مال آدم‌ها و زندگی آدم‌هاست و اصلی‌برشانه‌ی بلوط که نمادی از استقامت است خود نوعی تشخیص است که زبان شعر را زیباشناسانه تر تصویر می‌کند و پایان بندی شعر با خودش و حالت و وضعیت خودش به پایان می‌رسد که می‌گوید: «من که در مُردن از ماه فروانم!»

ماه در هر معنایی به کار برود می‌تواند نمادی از نور، زندگی و زیبایی و ازخودگذشتگی باشد و سُر‌آینده با استعاره مندی ماه‌رانه سعی می‌کند، معانی دیگری را از ماه و خودش به تصویر بکشد. رابرت فراست، شاعر آمریکایی قرن بیستم درباره زبان شعر می‌گوید: «زبان شعر به ما این اجازه را می‌دهد تا یک چیزی را بگوئیم اما منظور چیزهای دیگری هم هست.» حسن و شیرازه‌ی کلام این که، شولیز به رنگ سخن ذوق و بُن شوق و تصویرسازی است و در میدان شعر به عنوان یک دیسکورس (گفتمان) هم بسیار خوب بافته و هم فراوان ساخته است.

## دریچه



باب کاتزنلسون - دانمارک

## روزنامه همدلی

هر لحظه در برم دل از اندیشه خون شود تا منتهای کار من از عشق چون شود دل بر قرار نیست که گویم نصیحتی از راه عقل و معرفتش رهنمون شود یار آن حرف نیست که از در درآیدم عشق آن حدیث نیست که از دل برون شود فرهادوارم از لب شیرین گزیر نیست ور کوه محتمن به مثل بیستون شود ساکن نمی‌شود نفسی آب چشم من سیماب طرفه نبود اگر بی سکون شود

## مجازهای

مامانم مدام میگوید چرا واسه خواهرزاده‌ها پیتزا میخوری؟ پولت رو پس‌انداز کن. من زندگی شادی ندارم، حتی موقع خوردن بهترین خوراکی‌ها هم غمگینم ولی این بچه پیتزا میخوره میخنده. حاضرم سه برابر پول پیتزارو هم بدم ولی یکی جای من لذت ببره و بخنده. (پشه خسته) مامانم زنگ زد و با ناراحتی گفت هرچقدر اصرار کردم بایات قبول نکرد که تو هم واسه شام بیای، گفتم مامان ایرادی نداره من امشب یکم کار داشتم نمی‌تونستم بیام. کاری نداشتم. (Sadjat)

می‌خواهم ماه باشم در آسمان روز؛ ابر باشم در آسمان شب. من همیشه در نیمه آرام و پنهان زندگی زیستهام و سکوت و تماشا را به بیا هو و نقش‌آفرینی ترجیح داده‌ام. (Colonel)

میگم این پسرایی که میگن همه دخترا آهن پرستن و دنبال پول، پس چرا وقتی وضع مالیشون خوب میشه باز دخترا قبول نمیکن باهاشون برن تو رابطه؟ یعنی اصلا فکر نمیکن شاید مشکل از جای دیگه اس و همه دخترا گشنه ی جیب شما نیستن؟ (مینالیزا)

## دنیای علم

### کشف جرمی که از گرانش راه شیری فرار می‌کند

دانشمندان ناسا جرم بسیار سریعی را کشف کرده‌اند که با سرعت یک میلیون مایل در ساعت حرکت می‌کند و از گرانش کهکشان راه شیری می‌گریزد. بیشتر ستارگان آشنا به آرامی به دور مرکز کهکشان راه شیری می‌چرخند اما شهروندان دانشسور که روی پروژه «Backyard Worlds Planet» ناسا کار می‌کنند، به کشف جرمی کمک کرده‌اند که سرعت بسیار بالایی دارند. به نقل از ناسا، این جرم تازه کشف‌شده چنان سریع حرکت می‌کند که از گرانش کهکشان راه شیری می‌گریزد و به فضای بین کهکشانی پرتاب می‌شود. این جرم پرسرعت اولین نمونه در نوع خود به شمار می‌رود که جرم آن شبیه به یک ستاره کوچک یا کمتر از آن است.

پروژه Backyard Worlds از تصاویر مأموریت «کاششگر فرورسرخ میدان وسیع» یا «وایز» (WISE) ناسا استفاده می‌کند که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ از آسمان در نور فرورسرخ نقشه‌برداری کرد. این مأموریت در سال ۲۰۱۳ به عنوان «کاششگر نقشه‌برداری فرورسرخ با میدان وسیع اجرام نزدیک به زمین» یا «نئووایز» (NEOWISE) دوباره فعال شد. کاششگر نتووایز در روز هشتم اوت سال ۲۰۲۴ بازنشته شد. چند سال پیش، «مارتین کاباتییک» (Martin Kabatnik) ، «توماس بیکل» (Thomas Bickle) و «دن کاسلدن» (Dan Caselden) از اعضای قدیمی پروژه Backyard Worlds، جرم کم‌نور و سریع موسوم به «CWISE ۲۰۰۹۰۰۸۱۱۲۲۹۰۰۰+J۱۲۲۹۰۰۰» را دیدند که در تصاویر کاششگر وایز روی صفحه نمایش آنها حرکت می‌کرد. مشاهدات بعدی که با چندین تلسکوپ زمینی به دست آمدند، به دانشمندان کمک کردند تا این کشف را مورد تأیید قرار دهند و جرم را مشخص کنند.

جرم J۱۲۲۹۰۰۰ CWISE با سرعت حدود یک میلیون مایل در ساعت از کهکشان راه شیری عبور می‌کند اما به دلیل جرم کم خود نیز متمایز است که طبقه‌بندی آن را به عنوان یک جرم اسمانی دشوار می‌سازد. این می‌تواند یک ستاره کم‌جرم باشد یا اگر به طور پیوسته هیدروژن را در هسته خود ترکیب نکند، یک کوتوله قهوه‌ای در نظر گرفته شود و چیزی بین یک سیاره غول‌پیکر گازی و یک ستاره قرار می‌گیرد. این جرم جدید یک ویژگی منحصربه‌فرد دیگر نیز دارد. داده‌های به‌دست‌آمده با «صداخانه کک» (Keck Obseratory servatory) نشان می‌دهند که آهن و سایر فلزات در این جرم بسیار کمتر از بقیه ستاره‌ها و کوتوله‌های قهوه‌ای است.

این ترکیب غیر معمول نشان می‌دهد که جرم J۱۲۲۹۰۰۰ CWISE بسیار قدیمی است و احتمالاً به یکی از اولین نسل‌های ستارگان در کهکشان ما مربوط می‌شود.

چرا این جرم با چنین سرعت بالایی حرکت می‌کند؟ یک فرضیه این است که J۱۲۲۹۰۰۰ در اصل از یک منظومه دوتایی با یک کوتوله سفید به وجود آمده است که وقتی مواد زیادی را از همتای خود خارج کرد، به عنوان یک ابرنواختر منفجر شد.

احتمال دیگر این است که از یک خوشه ستارگان محکم به‌هم‌چسبیده به نام خوشه کروی آمده و یک ملاقات تصادفی با دو سیاه‌چاله آن را به پرواز درآورده باشد. دانشمندان با دقت بیشتری ترکیب عناصر J۱۲۲۹۰۰۰ را بررسی خواهند کرد تا سرخ‌هایی را درباره سناریوی محتمل تر پیدا کنند. این پژوهش در مجله «Astrophysical Journal Letters» به چاپ رسید.